

تأثیر سرمایه های انسانی و اجتماعی در رونق اقتصادی کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی استان البرز

سید داود حاجی میررحیمی^۱، سید روح اله موسوی داویجانی^۲

۱- دانشیار مرکز آموزش عالی امام خمینی(ره) سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، کرج، ایران
۲- کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی

چکیده

بخش کشاورزی محور توسعه اقتصاد مقاومتی بوده و همراه با پیشرفت علم و فناوری و از طریق افزایش ارزش افزوده و بهره‌وری فعالیت‌ها، فرصت‌های شغلی فراوانی در کشور ایجاد می‌نماید. با توجه به چیرگی کسب و کارهای کوچک و متوسط در بخش کشاورزی؛ توانمندسازی منبع‌های انسانی، تقویت سرمایه اجتماعی، فیزیکی، مالی و فضای کسب و کار می‌تواند موجب رونق اقتصادی این کسب و کارها شود. از این رو، با توجه به نامشخص بودن سویگان و سازه‌های اثرگذار بر بهبود جایگاه و موقعیت کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی استان البرز از طریق آموزش کشاورزی و توسعه سرمایه‌های انسانی و اجتماعی، این تحقیق کاربردی در سال ۱۳۹۹ انجام شد. جامعه آماری ۴۰۴ تن صاحبان کسب و کارهای کشاورزی استان بود که با فرمول کوکران شمار اعضای نمونه، ۲۰۰ تن تعیین و به روش تصادفی‌گزینش شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بود که روایی آن با استفاده از سنجش دیدگاه صاحب نظران و محاسبه میانگین واریانس استخراجی ($AVE > 0.5$) تأیید شد. پایایی آن نیز با محاسبه تتای ترتیبی ($\theta = 0.732 - 0.814$) و پایایی ترکیبی ($CR = 0.825 - 0.841$) تأیید شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های من ویتنی، کروسکال والیس و معادلات ساختاری استفاده شد. یافته‌ها نشان دادند که فضای کسب و کار (ضریب تأثیر ۰/۷۵) و منبع‌های انسانی (ضریب تأثیر ۰/۲۵) تأثیر مثبت و معنی‌داری در رونق اقتصادی کسب و کارها دارند. در این میان همکاری مشترک در زیرساخت‌ها، برگزاری همایش‌ها، نمایشگاه‌ها و معرفی دیدگاه‌های جدید کشاورزی، ساختار ارتباطی واحد کسب و کار و انتقال اطلاعات بین همکاران، آموزش مستمر نیروی انسانی و مشارکت افراد دارای مهارت به ترتیب بالاترین اولویت را در رونق اقتصادی کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی دارند. در پایان پیشنهادهای کاربردی برای رونق کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی استان البرز با نگرش به آموزش و سرمایه انسانی ارائه شده است.

نمایه واژگان: کسب و کار کوچک و متوسط کشاورزی، سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی، آموزش کشاورزی

نویسنده مسئول: سید داود حاجی میررحیمی

رایانامه: d.mirrahimi@areeo.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۳۰

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۱/۱۵

مقدمه

کشاورزی از دیرباز به عنوان یک فعالیت اقتصادی در کشورهای مختلف بوده است، به گونه ای که رشد اقتصادی کشورها ارتباط تنگاتنگی با توسعه کشاورزی دارد. در ایران، این بخش با برخورداری از حدود ۶/۶ درصد تولید ناخالص داخلی، ۱۷/۷ درصد اشتغال و ۵/۹ درصد صادرات غیرنفتی و تأمین کننده حدود ۸۰ درصد مواد غذایی و ۸۰-۹۰ درصد مواد اولیه صنایع مورد نیاز کشور، جایگاه مهمی در اقتصاد کلان کشور دارد (کشاورز و همکاران، ۱۳۹۹). این بخش بالاترین میزان آب را مصرف می‌کند (۸۰ درصد)، و این سهم حتی از میانگین جهانی (۷۰ درصد)، نیز بالاتر است. بنابر این در صورت تداوم نبود سرمایه‌گذاری کافی در پروژه‌های زیربنایی آب و خاک، «کم‌آبی» بحران آفرین شده و این موضوع مؤید اهمیت راهبردی ضرورت توجه به بخش کشاورزی است (افشانی و شیرینی محمدآباد، ۱۳۹۹). بیش از ۹۰ درصد این بخش به شکل کامل رقابتی اداره شده و یکی از خصوصی‌ترین حوزه‌های اقتصادی است. همچنین دارای سهم ۱۰ درصدی ارزش افزوده بوده و نرخ رشد این بخش در فاصله سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۳۹۹، ۴۳ درصد بزرگ‌تر شده و در سال اخیر رشد آن به ۵/۷ درصد رسیده که بخش بزرگی از این رشد، بدون توسعه سطح و براساس برنامه‌های ارتقای بهره‌وری بوده است (خاوازی، ۱۳۹۹). تجربه بسیاری از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته نشان می‌دهد که شرکت‌های کوچک و متوسط به دلایل مختلف می‌توانند نقش محوری در توسعه اقتصادی داشته باشند. شرکتهای کوچک و متوسط به دلیل توانایی این شرکت‌ها در کاهش نرخ بیکاری و تأثیر اجتماعی آن توانایی بالایی در توسعه ملی دارند (گینتینگ و همکاران، ۲۰۱۹). همچنین از طریق افزایش توان رقابتی موجب تسریع روند توسعه اقتصادی و خلق ثروت شده و موتور محرکه اقتصاد کشورها برای عبور

بحران اقتصادی می‌شوند (ان یونی و بونگا، ۲۰۱۸). تولید در شرکت‌های کوچک و متوسط در بخش کشاورزی می‌تواند نقش مهمی در تحقق روند تولید در کشور ایفا کنند، زیرا آن‌ها اغلب قابلیت جذب نیروی کار مازاد را دارند و همچنین توسعه صنایع کوچک باعث ارتقاء مردم سالاری در جامعه می‌شود و جامعه مدنی باعث مشارکت کارآفرینان در نظام اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور می‌شود. بخش‌های تولیدی و خدماتی، هر دو از انقلاب فناوریانه سود می‌برند (ولی‌زاده، ۱۳۸۶). فضای کسب و کار در بخش کشاورزی از جمله شاخص‌های تعیین‌کننده وضعیت اقتصادی است. فضای کسب و کار هرچه شفاف‌تر و رقابتی‌تر باشد، منجر به افزایش سلامت اقتصادی کشورها و اتخاذ سیاست‌های مطلوب شده و روند بهبودی شاخص‌های اقتصادی را در پی خواهد داشت (سوگاندی، ۲۰۱۸). تأثیر فضای کسب و کار مساعد در بخش کشاورزی، بر افزایش جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، ایجاد اشتغال و رشد تولید ناخالص داخلی مشهود است. با این وجود، پس از اعلام رتبه بندی جهانی فضای کسب و کار و جایگاه نامناسب ایران، بهبود فضای کسب و کار به ویژه در بخش کشاورزی با توجه به چالش‌های پیش روی اقتصاد به ضرورتی انکارناپذیر تبدیل شد. با وجود تلاش‌های انجام شده هنوز بسترهای مناسب برای ایجاد فضای امن سرمایه‌گذاری و کسب و کار در بخش کشاورزی فراهم نبوده و برای رسیدن به جایگاه واقعی اقتصاد ایران، فراهم کردن برخی زیرساخت‌ها پرهیزناپذیر است. اصلاح فضای کسب و کار و بهبود شاخص‌های مزبور در عرصه جهانی نه تنها گامی مثبت و بنیادین در تقویت مشارکت بخش خصوصی در عرصه اقتصاد و ارتقاء سطح اشتغال و تولید در کشور است بلکه از منظر سرمایه‌گذاران خارجی از جمله مهم‌ترین نماگرها برای ورود و شرط لازم برای ارتقا و آسانگری جریان ورود فناوری به کشور است (حیدری و سیدجوادین، ۱۳۹۰).

نقش کسب و کارهای کوچک و متوسط بر توسعه اقتصادی و تجاری بخش کشاورزی، کسب مزیت رقابتی و تولید ناخالص ملی و کارآفرینی روشن است، به طوری که دیده بان کارآفرینی جهانی میزان کارآفرینی در کشورها را با نرخ ایجاد و مرگ کسب و کارهای جدید مورد سنجش قرار می‌دهد (فیضی و همکاران، ۱۳۸۹). شاخص کسب و کار معیاری برای واکاوی مقرراتی است که به طور مستقیم کسب و کار را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این شاخص دیگر عامل‌هایی که به طور نامستقیم فضای کسب و کار را متاثر می‌سازند، (مانند نزدیکی به بازار دیگر کشورها، کیفیت زیرساخت‌ها، تورم، امنیت و غیره) را مدنظر قرار نمی‌دهد. رتبه‌بندی هر کشور در آسانگری کسب و کار، بر مبنای ۱۰ زیرشاخص آغاز یک کسب و کار، دریافت مجوزهای ساخت و ساز، تأمین نیروی کار، ثبت دارایی‌ها، دریافت اعتبار، حمایت از سرمایه‌گذاران، پرداخت مالیات، تجارت فرامرزی، اجرایی کردن تعهدات و پایان دادن به کسب و کار (حل و فصل) مورد محاسبه قرار می‌گیرد (باسخا، ۱۳۹۰). به عبارت دیگر شاخص‌ها و معیارهای مختلفی که به نوعی آغاز یک فرایند کسب و کار و موفقیت آن در ادامه مسیر ارزش آفرینی در اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، معرفی شده و سیاست‌گذاران با دیده‌بانی این شاخص‌ها و اصلاح‌ها و تعدیل‌های لازم در بخش‌های مختلف، در پی ایجاد انگیزه‌ها و مشوق‌های لازم برای توسعه فضای کسب و کار در اقتصاد بوده‌اند. شاخص آسانگری کسب و کار، جنبه خاصی از این محیط را مدنظر قرار می‌دهد، بدین گونه که این شاخص تأثیر قوانین و مقررات بر کسب و کار شرکت‌های فعال را بررسی می‌کند. دولت‌هایی که رشد فرصت‌های کسب و کار توسط فعالان اقتصادی و در نتیجه رشد اقتصادی و رفاه شهروندان را مورد توجه خود قرار داده‌اند، علاوه بر حفظ ثبات در شاخص‌ها و متغیرهای کلان اقتصادی، دیگر موضوع‌هایی را که به

نوعی فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی را تحت تأثیر قرار می‌دهند را نیز مورد ارزیابی قرار داده و در هنگام لزوم اقدام به اصلاح آن موارد می‌کنند (احمدی، ۱۳۸۷)، هرچند «فضای کسب و کار» در دهه‌های اخیر به عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث‌های اقتصاد کلان در جهان مطرح بوده است، تعریف جامعی از آسانگری کسب و کار و فضای سرمایه‌گذاری در ادبیات اقتصادی که مورد قبول همه واقع شود، وجود ندارد و غالب بررسی‌ها، فضای سیاسی، قانونگذاری و رفتاری جامعه در قبال سرمایه‌گذاران را به عنوان مهم‌ترین ارکان تشکیل دهنده این مفاهیم مورد توجه قرار داده‌اند (سکسنیان، ۲۰۰۹). به عبارت دیگر این فضا را می‌توان برآیندی از همه‌ی عامل‌های تأثیرگذار بر فرایند فعالیت‌های یک بنگاه اقتصادی در مراحل مختلف (اعم از پیش از آغاز فعالیت، در حین فعالیت و پس از پایان فعالیت) در نظر گرفت توسعه کشاورزی در سطح وسیع و صنعتی اغلب بر مبنای عامل‌هایی چون شمار نیروی انسانی شاغل در آن‌ها و یا میزان سرمایه در گردش، شناخته می‌شوند (فیضی و همکاران، ۱۳۸۹). یافته‌های تحقیق اتارودیان و همکاران (۲۰۱۸)، نشان داد که رشد و بهبود صادرات شرکت‌های کوچک و متوسط عامل عمده رشد ساختار صنعتی بسیاری از کشورها به شمار می‌آیند. بر مبنای یافته‌های بررسی‌ها انجام شده، این‌گونه کسب و کارها توانایی پاسخگویی سریع به تغییرات بازار و نیازهای خریداران را دارند و به آسانی می‌توانند خود را با شرایط جدید هماهنگ کنند. در واقع، آن‌ها رفتاری پویا در رو به رو شدن با شرایط متغیر محیطی دارند. کسب و کارهای متوسط و کوچک برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه که در صدد احیای ساختار اقتصادی خود هستند، بسیار اهمیت دارد. این بنگاه‌های اقتصادی، با وجود آنکه به سرمایه‌گذاری کم‌تری نیاز دارند، بازدهی بیش‌تری داشته، در اشتغال‌زایی، ایجاد بستر مناسب برای نوآوری و اختراع‌ها و افزایش صادرات این کشورها، نقش مهمی دارند.

بر مبنای تعریف وزارت صمت و وزارت جهاد کشاورزی، بنگاه‌های کوچک و متوسط، واحدهای صنعتی و خدماتی (شهری و روستایی) هستند که کمتر از ۵۰ تن کارگر دارند. مرکز آمار ایران کسب و کارها را به چهار گروه طبقه‌بندی کرده است؛ کسب و کارهای دارای ۹-۱ کارگر، ۵۲-۱۰ کارگر، ۱۱۰-۵۲ کارگر و بیش از ۱۰۰ کارگر (آمارنامه سال ۱۳۹۵). بانک مرکزی ایران نیز کسب و کارهای زیر ۱۰۰ تن نیروی کار را به عنوان بنگاه‌های کوچک و متوسط تلقی می‌کند (احمدی، ۱۳۸۷). بنگاه‌های کوچک و متوسط در اتحادیه اروپا این‌گونه دسته‌بندی می‌شوند: بنگاه‌های خرد: ۹-۱ تن نیروی کار، بنگاه‌های کوچک: ۴۹-۱۰ تن نیروی کار، بنگاه‌های متوسط: ۲۴۹-۵۰ تن نیروی کار. بر مبنای معیارهای اتحادیه اروپا نیز، صنایع کوچک و متوسط بر حسب شمار کارکنان و مبلغ گردش سرمایه سالانه تعریف می‌شوند. بر این مبنای، بنگاه‌های کوچک یا متوسط نامیده می‌شود که شمار کارکنان آن کمتر از ۲۵۰ تن باشد و مبلغ گردش مالی سالانه آن هم از ۱۰۰ میلیون تومان تجاوز نکند و تعادل ترازنامه کم‌تر از ۶۷ میلیون تومان باشد. از نظر اقتصادی باید مستقل بوده و بیش از ۵۰ درصد آن متعلق به بخش خصوصی باشد (احمدی، ۱۳۸۷). بر این اساس ۹۱/۵ درصد واحدهای تولیدی دارای پروانه صنعتی در ایران در گروه صنایع کوچک و متوسط قرار می‌گیرند (حسین پور و همکاران، ۱۳۹۹). آمارهای جهانی نیز نشان می‌دهد که دست کم ۹۵ درصد از کسب و کارهای ثبت شده در جهان از نوع کوچک و متوسط است (ستایش و همکاران، ۱۳۹۸) و در اتحادیه اروپا ۹۹/۸ درصد بوده و ۷۰ درصد ظرفیت اشتغال اتحادیه را تکمیل کرده (مولر و همکاران، ۲۰۱۴) و همچنین حدود ۵۶ درصد تولید ناخالص داخلی بسیاری از کشورهای اروپایی را تشکیل می‌دهند (پلتنو و بارخاتو، ۲۰۱۶). میزان مشارکت صنایع کوچک و متوسط در بخش‌های صنعتی در هر دو گروه

بخش کشاورزی در اقتصاد ایران از لحاظ "هزینه یک فرصت شغلی تمام وقت"، رتبه نخست را دارد؛ یعنی به نسبت دیگر بخش‌های اقتصادی با صرف کم‌ترین هزینه می‌توان یک شغل تمام وقت ایجاد کرد (حاجی میررحیمی، ۱۳۹۴). دلیل کم بودن این هزینه به ضریب تکاثر بالای این بخش بر می‌گردد. از لحاظ توان تولید بالقوه، این بخش در رتبه دوم پس از بخش خدمات عمده و خرده‌فروشی و کارهای تعمیراتی قرار دارد؛ ولی از نظر درآمدزایی بالقوه بخش کشاورزی جایگاه مناسبی ندارد و در رتبه ۱۹ قرار گرفته است. برابر یافته‌ها تنها یک درصد از کل درآمدزایی بالقوه بخش‌های اقتصاد ایران مربوط به بخش کشاورزی است. بر مبنای رتبه‌بندی کسب و کارهای تولید کل، بخش کشاورزی در رده هفتم قرار دارد (مومنی و همکاران، ۱۳۹۶). استان البرز از استان‌های حاصلخیز کشاورزی است و ظرفیت‌های بالقوه‌ای در زمینه‌های مختلف زراعت، باغبانی، دام و طیور، صنایع غذایی و ... دارد. این استان در میزان تولید محصول‌های کشاورزی جزء استان‌های برتر و کیفی کشور است و بسیاری از صنایع تبدیلی خصوصاً صنایع غذایی در آن واقع شده و رونق کسب و کارهای کشاورزی در اولویت نخست قرار دارد. یکی از دستاوردهای توسعه کشاورزی استان، افزایش صادرات سبزی و صیفی در سال ۱۳۹۹ به بیش از ۱۵ هزار کانتینر به کشورهای حوزه خلیج فارس بوده و پیش‌بینی شده که در سال‌های آتی نیز این رشد ادامه باشد (میرجلیلی، ۱۴۰۰). در عین حال به دلیل نوپا و کوچک بودن، این کسب و کارها رشد زیادی نکرده و انسجام لازم را ندارند. با توجه به ظرفیت‌های بالا و نبود زمینه به‌کارگیری کامل آن‌ها در صنایع و محدود بودن منبع‌های سرمایه‌گذاری، دغدغه سیاست‌گذاران استان در بررسی و تعیین عامل‌های مؤثر در رونق اقتصادی کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی استان بوده و این موضوع هدف اصلی تحقیق می‌باشد.

کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بیش تر است (در بسیاری از کشورها ۹۰ تا ۹۵ درصد کل صنایع را شامل می شوند). از نظر اشتغال ۷۰ تا ۷۵ درصد شاغلان و از نظر تولید محصول های صنعتی، ۵۰ تا ۶۰ درصد محصول ها در گروه صنایع کوچک و متوسط قرار دارند (بانک جهانی، ۲۰۱۱).

یافته های بررسی های پرشماری نشان می دهند که سطح تحصیلات نقش مهمی در موفقیت کارآفرینی و صاحبان کسب و کار در کسب درآمد بیش تر دارد (رستم علیزاده و جمعه زاده، ۱۳۹۷) و همچنین ناکافی بودن زیرساخت های جاده ای نیز باعث محدودیت دسترسی به امکانات ارتباطی و در نتیجه محدودیت اشتغال در بخش کشاورزی شده است (علوی زاده و کرمانی، ۱۳۹۰). آزاد بودن و شفافیت قیمت ها، رقابتی بودن بازار و حفظ حقوق مالکیت سه شرط لازم برای فعالیت اقتصادی بخش خصوصی و کارآ بودن اقتصاد است و نقش دولت در بهبود این فضا و فراهم آوردن شرایط مناسب برای جذب فعالیت بخش خصوصی بسیار مهم است. تجربه جهان نشان می دهد تنها در شرایط مساعد کسب و کار، یک بنگاه می تواند به صورت کارآ و بهینه عمل کند در یک بیان ساده و روشن، می توان اذعان داشت که بخش قابل توجهی از امکان و زمینه های رشد اقتصادی هر کشور در گرو فضای کسب و کار مناسب در آن کشور است. تأثیر فضای کسب و کار بر سرمایه گذاری را می توان از حوزه های راهبردی توسعه صنعتی ایران تلقی کرد که بیش تر ناشی از عامل هایی چون بهره وری و اشتغال نیروی کار، سرمایه گذاری، آزادی- های اقتصادی تولیدکنندگان و ظرفیت های تولیدی است (حسینی آشتیانی و همکاران، ۱۳۹۰). یافته های پژوهش کرمی (۱۳۹۶) نشان داد که در آینده برای توسعه کاربرد مهارت و فناوری در فرایند توسعه کسب و کارهای کشاورزی، برنامه های آموزشی باید به شکل قابل انعطاف

و مناسب بازار کار طراحی، سازماندهی، اجرا و ارزشیابی شوند. یافته های تحقیقات دیگری نشان داده است که عامل های فضایی و مکانی، فرهنگی و اجتماعی، سازمانی و اقتصادی و سیاست گذاری و نهادی مهم ترین عامل ها در تشکیل و توسعه شرکت های کوچک و متوسط به شمار می روند (Luintel et al., 2010; Saxenian et al., 2009). از سوی دیگر نوآوری از مهم ترین عنصرهایی است که با مفهوم و کارکرد شرکت های کوچک و متوسط پیوند دارد. زیرا نوآوری معطوف به تلاش برای تجاری سازی ایده های نو و ایجاد کسب و کارهایی برای این منظور است (Andersson & Chantal, 1997). از سوی دیگر عامل های تأثیرگذار بر توسعه شرکت های کوچک و متوسط عبارتند از: نیروی انسانی، بازاریابی و تقاضا، شبکه تأمین، دولت، همکاری و رقابت، زیرساخت ها، تجمع صنایع (حسینی و فهیمی فر، ۱۳۹۰، کارلسون، ۱۳۹۰، میشل و همکاران، ۲۰۰۸). یافته های تحقیق ملاشاهی و ظریفیان (۱۳۹۴) نشان داد که تجربه کار کشاورزی مدیران کسب و کارهای کشاورزی، شمار اعضای خانوار مدیر، میزان وام دریافتی برای احداث کسب و کار، تحصیلات مدیر، سن مدیر، شمار نیروی کار مشغول در کسب و کار، فاصله محل کسب و کار تا شهر و گستره زیرکشت بر موفقیت این کسب و کارها تأثیر معنی داری داشتند. یافته های تحقیق خشنودی فر و همکاران (۱۳۸۹) نشان داد که در میزان موفقیت کسب و کارهای کوچک و متوسط کارآفرین عامل های توانایی رقابت با دیگر کسب و کارها، کیفیت محصول ها و توانایی مقابله با رویدادهای غیرمنتظره، سه اولویت نخست اثرگذار و سخت-گیری زیاد بانک ها در پرداخت تسهیلات، عدم پرداخت به موقع اعتبارات و مشکلات دیوانسالاری اداری به ترتیب اهمیت به عنوان مشکلات راه اندازی این کسب و کارها مطرح بودند. همچنین بین عملکرد سازمان جهاد کشاورزی با میزان موفقیت در کسب و کار کوچک و متوسط رابطه مثبت و

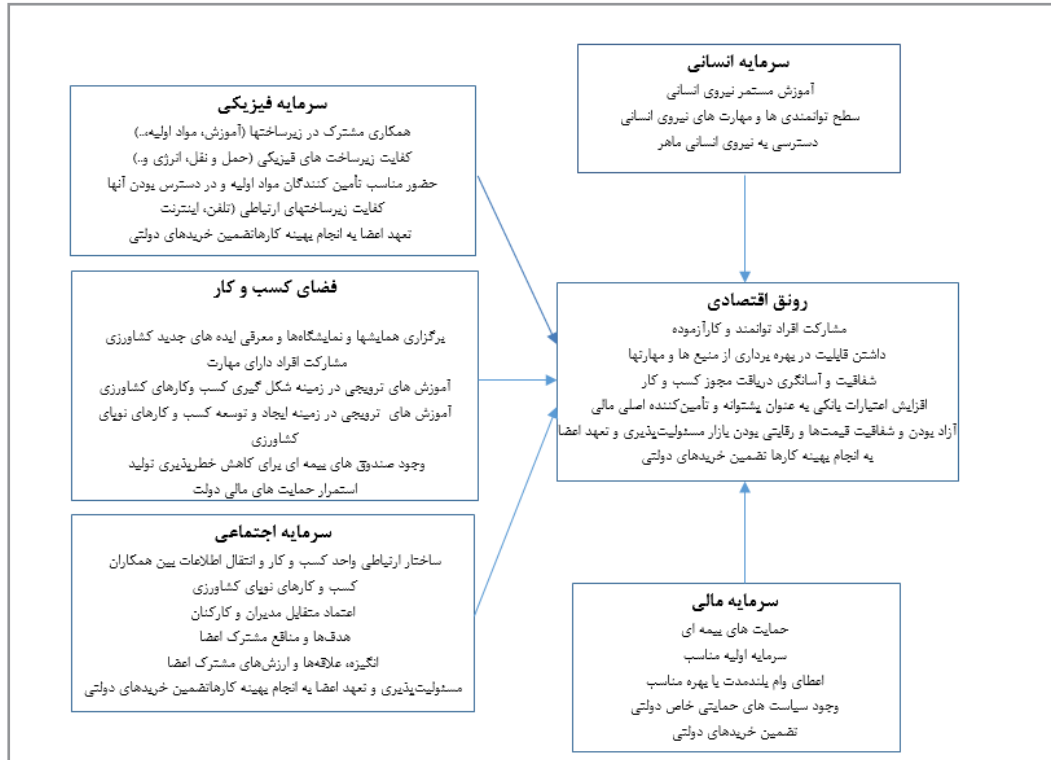
معنی داری مشاهده شد، اما بین عملکرد بانک کشاورزی و موفقیت کسب و کارها رابطه معنی داری به دست نیامد. یافته‌های تحقیق طالبی و همکاران (۱۳۹۱) نشان داد که راهبردهای افزایش فروشندگان، توسعه رابطه‌های عمومی و اطلاع‌رسانی درباره محصول‌های، فروش محصول‌ها در منطقه‌های جدید و بهبود و اصلاح محصول‌های کنونی بیش‌ترین استفاده را داشته و راهبرد متمرکز به عنوان نخستین اولویت در میان راهبردهای رشد کسب و کارهای این خوشه معرفی شد. یافته‌های تحقیق رحمتی و همکاران (۱۳۹۸) نیز نشان داد که نگرش به کار، سن، وضعیت اقتصادی، میزان درآمد، شرکت در دوره‌های آموزشی و رفتار اطلاع‌یابی زنان روستایی بخش مهمی از رفتارهای کارآفریندگی و ایجاد و توسعه کسب و کار آن‌ها را تبیین می‌نماید. یافته‌های پژوهش دیگری در کرمانشاه حاکی از آن بود که از حمایت‌های همه‌جانبه دولت به عنوان کلیدی‌ترین عامل مؤثر بر موفقیت کسب و کارهای کوچک و متوسط می‌باشد (حسین‌پور و همکاران، ۱۳۹۹).

بادینی و همکاران (۲۰۱۸) در بررسی خود با عنوان عامل‌های حیاتی موفقیت برای شرکت‌های کوچک و متوسط نشان دادند که سطح فناورانه بنگاه، عامل‌های اجتماعی، عامل‌های قانونی و نظارتی، حق مالکیت و سرمایه‌فیزیکی از عامل‌های حیاتی موفقیت شرکت‌های کوچک و متوسط هستند. اسمالبون (۲۰۱۷) در بررسی‌های خود مسئله‌های عمده پیش‌روی بنگاه‌های کوچک و متوسط کارآفرین روستایی را در هفت عامل کوچکی بازار محلی، محدودیت در انتخاب نیروی کار، ضعف در زیرساخت‌های ارتباطی و حمل و نقل، نبود دسترسی مناسب به اطلاعات و خدمات مشاوره‌ای مرتبط با امور تجاری، نبود دسترسی مناسب به منبع‌های مالی و فضای نهادی نامناسب، دسته‌بندی کرده است. راگ آف و همکاران (۲۰۱۶)، در مطالعه‌ای ۱۱ عامل ویژگی‌های

فردی، مسئله‌های مدیریتی، مسئله‌های مالی، فعالیت‌های بازاریابی، مسئله‌های منبع‌های انسانی، شرایط اقتصادی، ویژگی‌های محصول، رقابت، انضباط، فناوری، عامل‌های محیطی را به عنوان عامل‌های اثرگذار بر موفقیت بنگاه‌های کوچک شناسایی کردند. تامیونان (۲۰۱۶)، در مطالعه‌ای نبود سرمایه، بالا بودن قیمت نهاده‌ها، هزینه‌ی زیاد نیروی کار، نبود فناوری مناسب و نبود پرسنل ماهر، از مهم‌ترین مانع‌های توسعه‌ی بنگاه‌های کوچک و متوسط کارآفرین عنوان کردند. مان و همکاران (۲۰۱۴)، نیز پس از مرور تاریخچه موفقیت شرکت‌های کوچک و متوسط سه جنبه کلیدی و محوری مؤثر بر موفقیت یک شرکت را عامل‌های داخلی، فضای خارجی و تأثیر ناشی از مدیر شرکت، ویژگی‌های خانوادگی، روانشناختی و رفتاری مدیر و گرداننده شرکت معرفی کردند. همچنین مهارت‌های مدیریتی و دانش فنی، در اغلب موارد از مؤثرترین عامل‌های مرتبط با عملکرد یک شرکت می‌باشد. افزون بر آن، رابطه‌های موجود تحت تأثیر شرکت و نیز خط مشی‌های آن قرار دارند. ون‌گیل (۲۰۱۵) در بررسی‌های خود برای تحلیل ساختار مدیریت برتر کسب و کارهای کوچک و متوسط کارآفرین در هلند به این نتیجه دست یافت که غالب مدیران و مؤسسان این کسب و کارها از دانش راهبردی و تعامل‌های دیوان‌سالاری مرتبط با فرایند اجرای برنامه‌های کسب و کارها و ارتباطات شبکه‌ای مربوطه آگاهی چندانی نداشتند. لذا ضرورت ارائه دوره‌های آموزشی برای آن‌ها در موارد مذکور احساس می‌شود. یافته‌های مطالعه گوش (۲۰۱۱) در مورد عامل‌های مؤثر بر موفقیت ۵۰ کسب و کار کوچک و متوسط سنگاپور که دارای بالاترین میزان موفقیت و عملکرد بودند، نشان داد مهم‌ترین عامل‌ها عبارتند از: وجود گروه مدیریت قوی و متعهد، وجود اساسنامه‌های مدیریتی قوی، آینده‌نگر و توانا، به

کارگیری راهبرد متناسب و صحیح، توانایی شناسایی و تمرکز بر بازار، توانایی توسعه و حفظ ظرفیت عملکردی خود، توجه و دقت در مشتری مداری و وجود منبع های مالی و فنی غنی. بوشما و همکاران (۲۰۱۷) به این نتیجه رسیدند که عامل هایی چون رهبری، دانش و مهارت های کاربردی، بازاریابی، بینش مالی و مدیریتی، خلاقیت و نوآوری، و خطرپذیری مهم ترین عامل های موفقیت بازارهای اقتصادی پویا هستند. یافته های بررسی اوربانوا و همکاران (۲۰۱۶)، نشان داد که با وجود ارتباط و اهمیت نظام های قانونی، مهم ترین عامل های برای رونق کسب و کار کوچک و متوسط، عامل های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و هستند. بر این اساس ساختارهای غیررسمی، همانند شبکه های اجتماعی، آموزش عمومی و ارزش های فرهنگی به عنوان عامل های مؤثر ظهور فرایند پیاده سازی سیاست های حمایت از رونق کسب و کار کوچک ذکر شدند. یافته های پژوهش ابور و کوارتی (۲۰۱۶) نشان داد که عامل های بازدارنده گسترش و توسعه بنگاه های اقتصادی کوچک و متوسط، نبود دسترسی به فناوری، محدودیت دسترسی به بازارهای جهانی، ماهیت قوانین حاکم بر فعالیت بنگاه های اقتصادی و عدم آرایه آموزش های لازم در این زمینه است. از نظر آنان آنچه بیش از همه مهم و مؤثر جلوه می کند، نبود زمینه سرمایه و منبع های مالی کافی برای ایجاد بنگاه های اقتصادی و تداوم فعالیت آن هاست. یافته های پژوهش لیوی و همکاران (۲۰۱۵)، نشان داد که عامل هایی چون مدیریت، بازاریابی، مشارکت اعضاء و حمایت های مالی دولت مهم ترین عامل های رونق کسب و کارهای کوچک و متوسط بودند. همچنین یافته های بررسی راداس و بوزیک (۲۰۱۳) نشان داد که دستیابی به دانش نوین، استفاده از منبع های مالی و حمایت های قانونی از عامل های اثرگذار بر ایجاد نوآوری و رونق اقتصادی در بنگاه های کوچک و متوسط می باشند. یافته های تحقیق کوستین و راهارایا (۲۰۱۹)

در اندونزی نشان داد که برای موفقیت هر چه بیش تر کسب و کارها دولت باید امنیت لازم برای سرمایه گذاری را ایجاد و صدور مجوز را آسانگری کند و مالیات دریافتی را نیز کم کند، تا فضای کسب و کار مناسب شود. همچنین نهادهای هماهنگ و مرتبط گسترش یابد، مشاغل سنتی ضعیف باید از طریق دولت محافظت شود و مقررات به سود آن ها باشد، ارتباط متقابل و مشارکت بین شرکت ها و کارآفرینان وجود داشته باشد تا انحصار دولت را کاهش دهند و آموزش مهارت های کارآفرینی برای شرکت های کوچک و متوسط افزایش یابد. از سوی دیگر یافته بررسی های اومادیا و کاسزلنیک (۲۰۲۰) نشان داد که ارتقای کارآفرینی محلی و توسعه فناوری بومی و کاهش مهاجرت از روستا به شهر در کشورهای در حال توسعه در بهبود وضعیت کسب و کارهای کوچک و متوسط مهم بوده و کمبود زیرساخت ها، نداشتن مهارت کافی مدیریت و گرایش کارآفرینی، ناتوانی در دسترسی به نقدینگی برای تجارت، از چالش های مهم کسب و کارها در اندونزی می باشند. به طور کلی در بین عامل هایی که در رونق اقتصادی کسب و کارهای کوچک متوسط کشاورزی مؤثر است، پنج عامل اصلی یعنی: فضای کسب و کار، سرمایه انسانی (نیروی کار ماهر، فناوری نوآورانه و انتقال فناوری)، سرمایه اجتماعی (شبکه سازی، منبع دانش بیرونی، رهبری، تسهیل کننده ارتباطات و نام تجاری واحد صنعتی) و سرمایه مالی (حمایت دولتی، هزینه های تحقیق و توسعه و خدمات پشتیبان کسب و کار) و سرمایه فیزیکی (مهارت آموزشی تخصصی و زیرساخت های آموزشی)، می باشد که به عنوان مهم ترین عامل های رونق کسب و کارهای کوچک و متوسط در بخش کشاورزی استان البرز بررسی شد. بر این مبنای چارچوب نظری تحقیق که از پنج متغیر مؤثر در رونق اقتصادی کسب و کارهای کشاورزی شامل: سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی، فضای کسب و کار، سرمایه فیزیکی و سرمایه مالی، تشکیل شده است، ترسیم شد (نگاره ۱).



نگاره ۱- مدل نظری تأثیر سرمایه های انسانی و اجتماعی در رونق کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی

روش شناسی

۲۰۰ تن تعیین و به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. اعتبار ظاهری ابزار سنجش با استفاده از سنجش دیدگاه صاحب نظران (متخصصین و اساتید مدیریت کسب و کارهای کشاورزی و آموزش کشاورزی) و پایایی آن از طریق محاسبه تتای ترتیبی و پایایی ترکیبی مورد تأیید قرار گرفت. همچنین روایی تشخیصی به روش تعیین شاخص میانگین واریانس استخراج شده (AVE) استفاده شد (جدول ۱). برای تعیین درستی نشانگرها از آزمون تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. برای بررسی روایی و پایایی نشانگرها مقدارهای R_2 باید بالاتر از ۰/۲۰ باشد که گویای اعتماد و پایایی بالای نشانگر مورد نظر است همچنین برای تأیید دقت نشانگرها باید بار عاملی استاندارد شده بیش تر از ۰/۴ و میزان t خارج از بازه $(-۱/۹۶ و +۱/۹۶)$ باشد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از مدل معادلات ساختاری با رویکرد تحلیل مسیر، من ویتنی، کروسکال والیس و همبستگی اسپیرمن استفاده شد.

این پژوهش از دیدمان متعارف تحقیقات کمی و از دیدگاه نوع تحقیق کاربردی است که به صورت میدانی در سالهای ۱۳۹۸ تا ۱۳۹۹ اجرا شده است. مسئله تحقیق نامشخص بودن سویگان و سازه های اثرگذار بر بهبود جایگاه و موقعیت کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی بود. متغیرهای اصلی تحقیق شامل شش متغیر: فضای کسب و کار (۷ متغیر)، سرمایه انسانی (۸ متغیر)، سرمایه اجتماعی (۱۰ متغیر)، سرمایه مالی (۶ متغیر)، سرمایه فیزیکی (۵ متغیر) و رونق اقتصادی (۱۰ متغیر) بود که در کل با ۴۶ متغیر بررسی شدند. برای اندازه گیری متغیرهای مزبور از طیف لیکرت استفاده شد (از یک= خیلی کم تا پنج= خیلی زیاد). جامعه آماری ۴۰۴ تن از اعضای هیأت مدیره شرکت ها و تعاونی های کشاورزی عضو سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی استان البرز بود که با استفاده از فرمول کوکران شمار نمونه

جدول ۱- پایایی عامل های مؤثر در رونق اقتصادی کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی

عامل	تنای ترتیبی	پایایی ترکیبی	AVE ³
رونق اقتصادی	۰/۷۴۳	۰/۸۲۵	۰/۵۲۸
زیرساختی	۰/۷۵۶	۰/۸۲۵	۰/۵۲۴
سرمایه اجتماعی	۰/۸۱۴	۰/۸۳۵	۰/۵۰۸
سرمایه مالی	۰/۷۸۳	۰/۸۴	۰/۵۳۲
فضای کسب و کار	۰/۷۸۵	۰/۸۳۸	۰/۵۱۹
سرمایه انسانی	۰/۷۳۲	۰/۸۴۱	۰/۶۱۲

یافته ها

درصد نیز زن بوده و اغلب متأهل (۷۱/۵ درصد)، و

در طبقه درآمدی ۲/۶-۴ و بالاتر از ۴ میلیون تومان در ماه قرار داشتند (۷۲ درصد). همچنین پیشینه کار بیش از ۵۳ درصد اعضای نمونه تحقیق بالای ۱۱ سال می باشد (جدول ۲).

سطح تحصیلات نیمی از نمونه آماری کارشناسی ارشد و بالاتر و ۳۶/۵ درصد کارشناسی بوده و نزدیک به نیمی نیز در محدوده سنی ۳۰ تا ۴۰ سال قرار داشتند (۴۹ درصد). این موضوع نشانگر جوانی جامعه آماری بود. ۷۶ درصد آنان مرد و ۲۴

جدول ۲- پراکنش ویژگی های فردی و حرفه ای صاحبان کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی

ویژگی	سطح	فراوانی	درصد	درصد معتبر	فراوانی انباشته
تحصیلات	زیردیپلم	۱	۰/۵	۰/۵	۰/۵
	دیپلم و کاردانی	۶	۳	۳	۳/۵
	کارشناسی	۹۳	۴۶/۵	۴۶/۵	۵۰
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۱۰۰	۵۰	۵۰	۱۰۰
سن	زیر ۵ سال	۳۵	۱۷/۵	۱۷/۶	۱۷/۶
	۵-۱۰	۵۷	۲۸/۵	۲۸/۶	۴۶/۲
	۱۱-۱۵	۳۲	۱۶	۱۶/۱	۶۲/۳
	۱۵ <	۷۵	۳۷/۵	۳۷/۷	۱۰۰
	بدون پاسخ	۱	۰/۵	۱۰۰	-
	۱/۵ >	۲۰	۱۰	۱۰/۳	۱۰/۳
	۲/۵-۱/۵	۳۰	۱۵	۱۵/۵	۲۵/۸
درآمد (میلیون تومان)	۲/۶-۴	۷۲	۳۶	۳۷/۱	۶۲/۹
	>۴	۷۲	۳۶	۳۷/۱	۱۰۰
	بدون پاسخ	۶	۳	-	-
	جمع	۲۰۰	-	-	-

ادامه جدول ۲- پراکنش ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای صاحبان کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی

ویژگی	سطح	فراوانی	درصد	درصد معتبر	فراوانی انباشته
	۵ >	۳۵	۱۷/۵	۱۷/۶	۱۷/۶
	۱۰-۵	۵۷	۲۸/۵	۲۸/۶	۴۶/۲
پیشینه کار(سال)	۱۵-۱۱	۳۲	۱۶	۱۶/۱	۶۲/۳
	>۱۵	۷۵	۳۷/۵	۳۷/۷	۱۰۰
	بدون پاسخ	۱	۰/۵	۱۰۰	-

نتایج آزمون من ویتنی و کروسکال والیس نشان داد که هیچکدام از ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای صاحبان کسب و کارهای کوچک و متوسط مورد مطالعه تفاوت معنی‌داری در دیدگاه ایشان در زمینه عامل‌های مؤثر در رونق اقتصادی کسب و کارهای کشاورزی ایجاد نکرده است (جدول ۳). بخش دیگری از نتایج آزمون همبستگی (جدول ۴) باشد.

جدول ۳- تأثیر برخی ویژگی‌ها بر نظر پاسخگویان نسبت به عامل‌های مؤثر در رونق اقتصادی کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی

متغیر	من-ویتنی	ویلکاکسون	Z آماره	سطح معنی‌داری
جنسیت	۳۵۴۸/۵	۵/۴۷۲۴	-۰/۲۸	۰/۷۷
وضعیت تأهل	۳۵۵۹/۵	۵۲۴۸/۵	-۱/۳	۰/۱۹
متغیر	درجه آزادی	کروسکال والیس	سطح معنی‌داری	سن
سن	۳	۰/۷۴	۰/۸۶	
درآمد	۳	۲/۵۱	۰/۴۷	
پیشینه کار	۳	۳/۷۲	۰/۳۵	
تحصیلات	۳	۱/۵۴	۰/۶۷	

جدول ۴- ماتریس همبستگی عامل‌های مؤثر در رونق اقتصادی کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی

فضای کسب و کار	سرمایه فیزیکی	سرمایه مالی	سرمایه اجتماعی	سرمایه انسانی	عامل‌ها
-	-	-	۱	***۰/۴۵۸	سرمایه اجتماعی
-	-	۱	***۰/۳۷۱	***۰/۲۹۸	سرمایه مالی
-	۱	***۰/۴۸۱	***۰/۴۹۱	***۰/۳۸۶	سرمایه فیزیکی
۱	***۰/۴۵۹	***۰/۳۷۷	***۰/۳۹۰	***۰/۲۵۸	فضای کسب و کار

***معنی‌داری در سطح یک درصد

از سوی دیگر، یافته‌های تحقیق تأیید کرد که همکاری مشترک در زیرساخت‌ها، برگزاری همایش‌ها و نمایشگاه‌ها و معرفی ایده‌های جدید کشاورزی، ساختار ارتباطی واحد کسب و کار و انتقال اطلاعات بین همکاران، آموزش مستمر نیروی انسانی و مشارکت افراد دارای مهارت به ترتیب بالاترین اولویت را در رونق اقتصادی کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی دارند (جدول ۵).

جدول ۵- اولویت بندی متغیرهای مؤثر در رونق اقتصادی کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی بر پایه عامل‌ها

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	متغیر	عامل
۱	۰/۴۰	۰/۸۷	۱/۹۳	آموزش مستمر نیروی انسانی	سرمایه انسانی
۲	۰/۴۶	۰/۷۷	۱/۶۶	سطح توانمندی‌ها و مهارت‌های نیروی انسانی	
۳	۰/۴۷	۰/۸۳	۱/۷۶	دسترسی به نیروی انسانی ماهر	
۱	۰/۳۸	۰/۷۳۹	۱/۹۲	ساختار ارتباطی واحد کسب و کار و انتقال اطلاعات بین همکاران	سرمایه اجتماعی
۲	۰/۴۱۲	۰/۹۴۹	۳/۲	کسب و کارهای نوپای کشاورزی	
۳	۰/۴۱۵	۰/۷۰۲	۱/۶۹	اعتماد متقابل مدیران و کارکنان	
۴	۰/۴۳	۰/۷۳۲	۱/۶۹	هدف‌ها و منافع مشترک اعضا	
۵	۰/۴۴	۰/۸۴۱	۱/۸۷	انگیزه، علاقه‌ها و ارزش‌های مشترک اعضا	
۶	۰/۴۸	۰/۷۴۲	۱/۵۲	مسئولیت‌پذیری و تعهد اعضا به انجام بهینه کارها	
۱	۰/۴۵	۱/۰۲	۲/۲۵	حمایت‌های بیمه‌ای	سرمایه مالی
۲	۰/۴۷	۰/۷۷	۱/۶۴	سرمایه اولیه مناسب	
۳	۰/۴۸	۰/۹	۱/۸۵	اعطای وام بلندمدت با بهره مناسب	
۴	۰/۵	۱/۰۳	۲/۰۷	وجود سیاست‌های حمایتی خاص دولتی	
۵	۰/۵۵	۱/۱۴	۲/۰۷	تضمین خریدهای دولتی	
۱	۰/۳۷	۰/۷۴	۱/۹۸	همکاری مشترک در زیرساخت‌ها (آموزش، مواد اولیه،..)	سرمایه فیزیکی
۲	۰/۴۱	۰/۷۸	۱/۹۷	کفایت زیرساخت‌های فیزیکی (حمل و نقل، انرژی و..)	
۳	۰/۴۲	۰/۷۷	۱/۸۳	حضور مناسب تأمین‌کنندگان مواد اولیه و در دسترس بودن آن‌ها	
۴	۰/۴۴	۰/۸۸	۲	کفایت زیرساخت‌های ارتباطی (تلفن، اینترنت و..)	
۵	۰/۵	۰/۷۷	۱/۵۳	قیمت مواد اولیه	

ادامه جدول ۵- اولویت بندی متغیرهای مؤثر در رونق اقتصادی کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی بر پایه عامل‌ها

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	متغیر	عامل
۱	۰/۳۹	۰/۸۸	۲/۲۵	برگزاری همایش‌ها و نمایشگاه‌ها و معرفی ایده‌های جدید کشاورزی	فضای کسب و کار
۲	۰/۴	۰/۷۲	۱/۷۹	مشارکت افراد دارای مهارت	
۳	۰/۴۱	۰/۸۴	۲	وجود آموزش‌های ترویجی در زمینه شکل‌گیری کسب و کارهای-کشاورزی	
۳	۰/۴۱	۰/۸۶	۲/۱	وجود آموزش‌های ترویجی در زمینه ایجاد و توسعه کسب و کارهای نوپای کشاورزی	
۴	۰/۴۳	۰/۹۴	۲/۱۷	وجود صندوق‌های بیمه‌ای برای کاهش خطرپذیری تولید	
۴	۰/۴۳	۰/۸۱	۱/۸۵	استمرار حمایت‌های مالی دولت	رونق اقتصادی کسب و کارها
۱	۰/۴	۰/۷	۱/۷۴	مشارکت افراد توانمند و کارآزموده	
۲	۰/۴۱	۰/۷۷	۱/۹	داشتن قابلیت در بهره‌برداری از منبع‌ها و مهارت‌ها	
۳	۰/۴۲	۰/۹۲	۲/۲	شفافیت و آسانگری دریافت مجوز کسب و کار	
۴	۰/۴۴	۰/۸۱	۱/۸۳	افزایش اعتبارات بانکی به عنوان پشتوانه و تأمین‌کننده اصلی مالی	
۵	۰/۴۵	۰/۷۹	۱/۷۲	آزاد بودن و شفافیت قیمت‌ها و رقابتی بودن بازار	

برای بررسی درستی انتخاب نشانگرها (متغیرها) از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. در برخی مؤلفه‌ها نشانگرهای دارای بار عاملی کم و غیر معنی‌دار، حذف شد. متغیرهای انتخاب شده، R^2 و خطای استاندارد آن‌ها در جدول ۶ آمده است. یافته‌ها مؤید مناسب بودن نشانگرهای نهایی انتخاب شده، بود.

جدول ۶- خلاصه شاخص‌های تحلیل مسیر مؤثر در رونق اقتصادی کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی

عامل	متغیر	نماد در مدل	خطای استاندارد	مقدار t	پایایی ابزار اندازه‌گیری (R ²)
سرمایه انسانی	تا چه اندازه دسترسی به نیروی انسانی با مهارت‌های بالا در رونق کسب و کار مؤثر بوده است؟	H1	۰/۰۵	-	۰/۵۱
	تا چه اندازه بالا بودن سطح توانمندی‌ها و مهارت‌های نیروی انسانی در رونق کسب و کار مؤثر بوده است؟	H2	۰/۰۴۴	۴/۳۴	۰/۶۷
	تا چه اندازه آموزش مستمر نیروی انسانی در رونق کسب و کار مؤثر بوده است؟	H5	۰/۰۴۹	۸/۲۹	۰/۲۹
سرمایه اجتماعی	تا چه اندازه مسئولیت‌پذیری و تعهد اعضا به انجام بهینه کارها در رونق کسب و کار مؤثر بوده است؟	Sc1	۰/۰۴	-	۰/۳۹
	تا چه اندازه ساختار ارتباطی واحد کسب و کار و انتقال مناسب اطلاعات بین اعضا و همکاران در رونق کسب و کار مؤثر بوده است؟	Sc2	۰/۰۴۱	۶/۵	۰/۳۴
	تا چه اندازه انگیزه، علاقه‌ها و ارزش‌های مشترک اعضا در رونق کسب و کار مؤثر بوده است؟	Sc5	۰/۰۴۷	۷/۴۱	۰/۵۱
	تا چه اندازه اعتماد متقابل مدیران و کارکنان در رونق کسب و کار مؤثر بوده است؟	Sc6	۰/۰۳۳	۷/۳۴	۰/۴۹
	تا چه اندازه هدف‌ها و منافع مشترک اعضا در رونق کسب و کار مؤثر بوده است؟	Sc7	۰/۰۳۹	۶/۸۵	۰/۴۰
	تا چه اندازه آموزش‌های ترویج و آموزش کشاورزی در زمینه آغاز کسب و کارهای نوپا (Start up) به شکل‌گیری کسب و کار در بخش کشاورزی کمک می‌کند؟	Sc10	۰/۰۷۸	۴/۹۹	۰/۲۳
سرمایه مالی	چقدر اعطای وام بلندمدت با بهره مناسب در رونق کسب و کار مؤثر بوده است؟	ec1	۰/۰۶۵	-	۰/۲۶
	تا چه اندازه وجود سیاست‌های حمایتی خاص دولتی در رونق کسب و کار مؤثر بوده است؟	ec2	۰/۰۸۳	۶/۵	۰/۶۸
	تا چه اندازه تضمین خریدهای دولتی در رونق کسب و کار مؤثر بوده است؟	ec3	۰/۰۶۷	۷/۴۱	۰/۶۴
	تا چه اندازه سرمایه اولیه مناسب در رونق کسب و کار مؤثر بوده است؟	ec4	۰/۰۵۲	۷/۳۴	۰/۲۲
	تا چه اندازه حمایت‌های بیمه‌ای در رونق کسب و کار مؤثر بوده است؟	ec5	۰/۰۸۱	۶/۸۵	۰/۲۹

ادامه جدول ۶- خلاصه شاخص‌های تحلیل مسیر مؤثر در رونق اقتصادی کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی

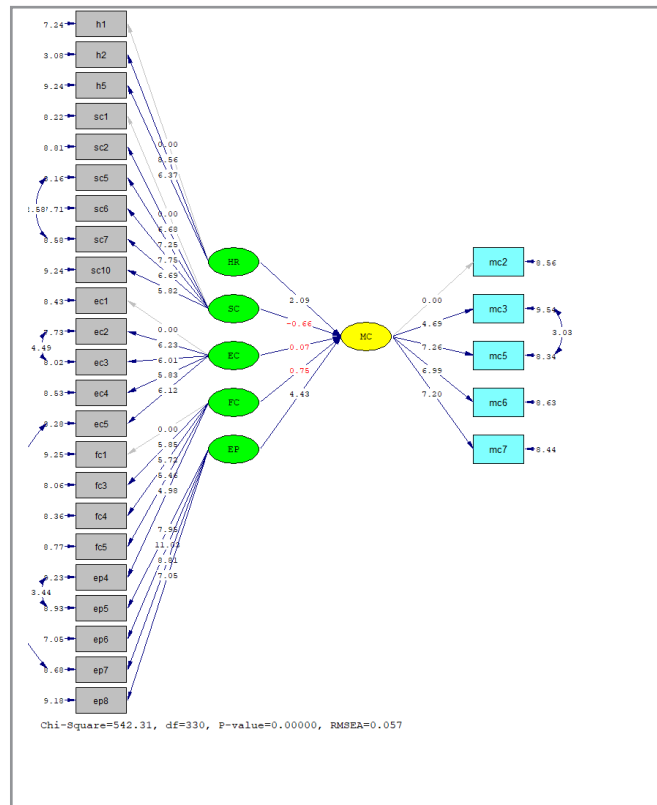
عامل	متغیر	نماد در مدل	خطای استاندارد	مقدار t	پایایی ابزار اندازه‌گیری (R ²)
سرمایه فیزیکی	تا چه اندازه کفایت زیرساخت‌های فیزیکی (حمل و نقل، انرژی و...) در رونق کسب و کار مؤثر بوده است؟	fc1	۰/۰۵۷	-	۰/۲۲
	تا چه اندازه کفایت زیرساخت‌های ارتباطی (تلفن، اینترنت و...) در رونق کسب و کار مؤثر بوده است؟	fc2	۰/۰۶۸	۷/۴۲	۰/۳۴
	تا چه اندازه همکاری مشترک در زیرساخت‌ها (آموزش، مواد اولیه،...) در رونق کسب و کار مؤثر بوده است؟	fc3	۰/۰۴۶	۹/۷۶	۰/۵۶
	حضور مناسب تأمین‌کنندگان مواد اولیه و در دسترس بودن آنان چقدر در رونق کسب و کار مؤثر بوده است؟	fc4	۰/۰۴۷	۶/۹۵	۰/۴
	تا چه اندازه قیمت مواد اولیه در رونق کسب و کار مؤثر بوده است؟	fc5	۰/۰۵۴	۴/۷۳	۰/۲۴
فضای کسب و کار	تا چه اندازه آموزش‌های دوره‌های ترویج و آموزش کشاورزی در زمینه آغاز کسب و کارهای نوپا به شکل گیری کسب و کار در بخش کشاورزی کمک می‌کند؟	ep3	۰/۰۴۳	-	۰/۵۹
	تا چه اندازه برای رونق اقتصادی در کسب و کارهای کوچک حمایت‌های مالی دولت لازم است؟	ep4	۰/۰۵۲	۶/۷۳	۰/۲۷
	برای رونق اقتصادی کسب و کارهای کوچک کشاورزی مشارکت افراد دارای مهارت چقدر لازم است؟	ep5	۰/۰۳۹	۷/۶۲	۰/۳۴
فضای کسب و کار	تا چه اندازه آموزش‌های دوره‌های ترویج و آموزش کشاورزی در زمینه آغاز استارت‌آپ‌های کوچک به شکل گیری کسب و کار کشاورزی کمک می‌کند؟	ep6	۰/۰۴۴	۱۰	۰/۷۰
	تا چه اندازه صندوق‌های بیمه‌ای از طرف سازمان‌های مختلف از جمله بانک کشاورزی در کاهش خطرپذیری تولید در کسب و کارهای کوچک مؤثر است؟	ep7	۰/۰۷۱	۶/۳۶	۰/۲۶
	برگزاری همایش‌ها و نمایشگاه‌های داخلی توسط سازمان متولی و معرفی ایده‌های جدید چقدر می‌تواند زمینه‌افزایش کمیّت و کیفیت تولید را در کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی فراهم آورد؟	ep8	۰/۰۶۳	۶/۱۷	۰/۲۵

ادامه جدول ۶- خلاصه شاخص های تحلیل مسیر مؤثر در رونق اقتصادی کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی

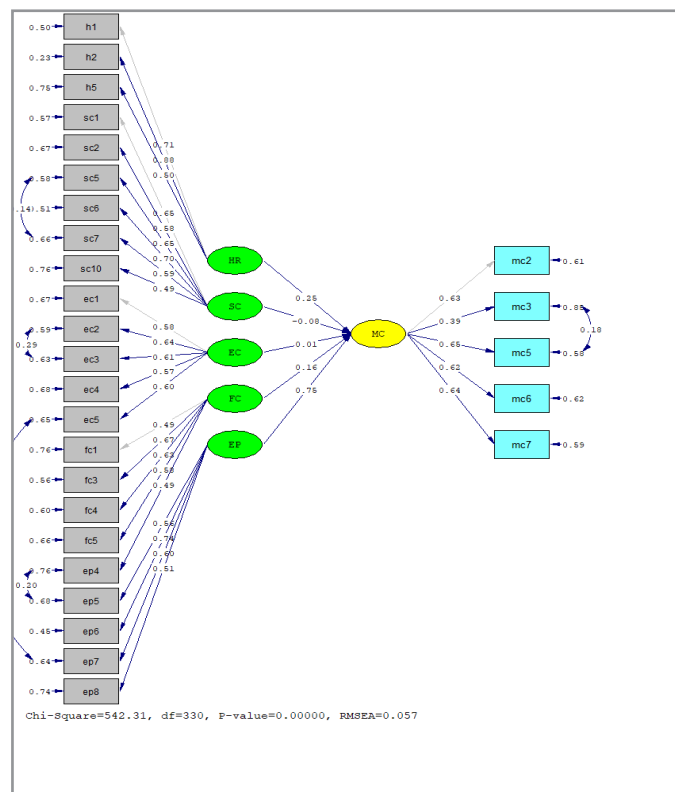
عامل	متغیر	نماد در مدل	خطای استاندارد	مقدار t	پایایی ابزار اندازه گیری (R ²)
	تا چه اندازه برای رونق اقتصادی کسب و کارهای کوچک در بخش کشاورزی مشارکت افراد توانمند و کارآزموده لازم است؟	mc2	۰/۰۴۰	-	۰/۳۲
	تا چه اندازه دریافت مجوزهای مناسب برای فعالیت کسب و کار در رونق اقتصادی کسب و کارهای کوچک و متوسط مؤثر است؟	mc3	۰/۰۷۲	۶/۱۷	۰/۲۵
رونق اقتصادی کسب و کارها	تا چه اندازه آزاد بودن و شفافیت قیمت ها و رقابتی بودن بازار می تواند در موفقیت کسب و کارهای کوچک و متوسط مؤثر باشد؟	mc5	۰/۰۴۷	۹/۴	۰/۵۳
	تا چه اندازه افزایش اعتبارات بانکی به عنوان پشتوانه و تأمین کننده اصلی مالی می تواند در موفقیت کسب و کارهای کوچک و متوسط در بخش کشاورزی مؤثر باشد؟	mc6	۰/۰۵۳	۷/۳۹	۰/۳۳
	تا چه اندازه داشتن قابلیت در بهره برداری از منبع ها و مهارت های محلی می تواند در موفقیت کسب و کارهای کوچک و متوسط در بخش کشاورزی مؤثر باشد؟	mc7	۰/۰۴۶	۸/۳۴	۰/۴۲

بر رونق اقتصادی کسب و کارها بوده و سرمایه انسانی نیز در این خصوص با ضریب تأثیر ۰/۲۵ دارای تأثیر مثبت و معنی داری می باشد. یافته های مندرج در جدول ۷ برازش مدل و دارای اعتبار بودن آن را تأیید می کند.

در بررسی ساختار مدل، رابطه های بین متغیرهای نهفته درونی و بیرونی با هدف تشخیص این که آیا رابطه های نظری که بین متغیرها در مرحله تدوین چارچوب مفهومی مد نظر محقق بوده است، به وسیله ی داده ها تأیید شده یا نه؟، بررسی می شوند. یافته ها با توجه به مقدارهای t مدل ساختاری نشان دهنده آن بود که سرمایه انسانی و فضای کسب و کار تأثیر مثبت و معنی داری بر رونق اقتصادی کسب و کارهای کوچک و متوسط داشته اما سرمایه مالی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فیزیکی تأثیر معنی داری ندارند (نگاره ۲). یافته های مندرج در نگاره ۳ نیز نشان می دهد که فضای کسب و کار با ضریب تأثیر ۰/۷۵ دارای بیش ترین تأثیر معنی دار



نگاره ۲- مدل ساختاری با میزان های t عامل های مؤثر در رونق اقتصادی کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی



نگاره ۳- مدل ساختاری تحقیق با بارهای عاملی استاندارد شده

شاخص برازش	معیار قابل قبول	میزان گزارش شده	وضعیت شاخص
(X^2/df) مجذور کای به درجه آزادی	≤ 3	۱/۴۸	مطلوب
NFI شاخص نرم شده برازندگی	$\geq 0/90$	۰/۹۰	مطلوب
CFI شاخص برازندگی تطبیقی	$\geq 0/90$	۰/۹۵	مطلوب
GFI شاخص میزان انطباق	$\geq 0/90$	۰/۸۸	تا حدی مطلوب
IFI	$\geq 0/90$	۰/۹۵	مطلوب
RMR مجذور میانگین پس مانده‌ها	$\leq 0/05$	۰/۰۴۱	مطلوب
RMSEA ریشه دوم میانگین خطای تقریب	$\leq 0/08$	۰/۰۵۷	مطلوب

بحث و نتیجه گیری

نتایج آزمون مقایسه میانگین‌ها نشان داد که بین وضعیت تأهل و جنسیت با رونق اقتصادی کسب و کارها تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. که بیانگر این است که دو مشخصه فردی عنوان شده در دیدگاه اعضای نمونه تحقیق در زمینه عامل‌های مؤثر در رونق اقتصادی کسب و کارها نقش تعیین‌کننده‌ای ندارند. این نتیجه با یافته‌های تحقیق رحمتی و همکاران (۱۳۹۸) در زمینه بی-تأثیری وضعیت تأهل همخوانی دارد. از طرفی سطح تحصیلات، پیشینه کاری، سن و درآمد صاحبان کسب و کارهای مورد مطالعه نیز تفاوت معنی‌داری در دیدگاه آن‌ها نسبت به عامل‌های مؤثر در رونق اقتصادی کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی ایجاد نکرده است. این نتیجه با یافته‌های تحقیقات راگ آف و همکاران (۲۰۱۶)، ملاشاهی و ظریفیان (۱۳۹۴) و رستم علیزاده و جمعه زاده (۱۳۹۷) همخوانی ندارد. این موضوع مؤید آن است که وضعیت کسب و کارهای بخش کشاورزی به نحوی است که عامل‌های مؤثر در رونق اقتصادی آن برای کلیه دست‌اندرکاران کسب و کارهای کشاورزی یکسان است و ارتباطی با سن، سابقه شغلی، درآمد و تحصیلات آنان ندارد. در عین حال یافته‌ها نشان داد که مالکان کسب و

کارهای مورد بررسی بیش‌تر در سن جوانی قرار دارند. این امر می‌تواند نکته مثبتی برای آموزش آنان بوده و قابلیت خطرپذیری و پذیرش ایده‌های جدید توسط آنان را افزایش دهد. بیش‌تر مالکان کسب و کارها مرد بودند ولی زن‌ها نیز حضور خوبی داشتند و با حمایت و آموزش این قشر می‌توان درصد این حضور را پررنگ‌تر ساخت. درآمد ۶۱ درصد مالکان کسب و کارها در ماه چهار میلیون تومان بود که این میزان با توجه به خط فقر و تورم موجود در بازار پایین می‌باشد. لازم است میانگین درآمد کسب و کارها از طرق مختلف از جمله به کارگیری نوآوری‌ها و حضور اقتصادی در بازار افزایش یابد تا در آینده با چالش روبه‌رو نشده و پایدار بمانند. تحصیلات مالکان کسب و کارها کارشناسی ارشد و بالاتر بود که بیانگر باسواد بودن و داشتن مدارک دانشگاهی معتبر مالکان کسب و کارها است. این امر بیانگر سطح فعالیت‌های تخصصی کسب و کارها و از سویی تلاش بیش‌تر دانش‌آموختگان دانشگاهی برای کارآفرینی و راه‌اندازی کسب و کارهای مستقل می‌باشد. همچنین این موضوع ضمن تأثیر مثبت در علاقمندی افراد برای ورود به فرایندهای آموزشی، اطلاع‌رسانی نیازهای بازار به واحدهای کسب و کار کشاورزی را در استان البرز

کسب و کار را تحمل‌پذیر می‌سازد. اسمالبون (۲۰۱۷) انتخاب مناسب نیروی کار را از عامل‌های تأثیرگذار بر توسعه کسب و کارها می‌داند. منبع‌های انسانی با مدیریت مناسب موجب تسریع در روند تولید و بازاریابی گشته و باعث رسیدن کسب و کار به هدف-ها می‌شود که با ویژگی‌های روانشناختی و شخصیتی مدیریت در ارتباط است (مان و همکاران، ۲۰۱۴).

نیروی انسانی ماهر و توانمند، زمینه ارتقای کمی و کیفی فرایند تولید محصول و سطح خدمات تخصصی را فراهم می‌کند. این امر موفقیت کسب و کارها و ماندگاری آن‌ها را در بازار رقابتی کشاورزی افزایش و در نهایت باعث رضایت خریداران و گسترش بازار برای کسب و کارها می‌شود. از سوی دیگر آموزش پیوسته نیروی انسانی منجر به به روز بودن نیروی انسانی و استفاده از روش‌های جدید برای جلب رضایت خریدار و گسترش کسب و کار می‌شود، آموزش به توانمندی و در نهایت توانایی نیروی انسانی در شناسایی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های ایجاد و موفقیت کسب و کار دارد. فضای کسب و کار بر تولید اقتصادی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. این نتیجه همخوانی با تحقیق کرمی (۱۳۹۶)، باسحا (۱۳۹۲)، تامبیونان (۲۰۱۶) و اوربانوا و همکاران (۲۰۱۶) دارد. از سوی دیگر یافته‌ها نشان داد که بهبود وضعیت تولید از طریق حمایت‌های تولیدی و نقش دولت در صدور مجوز برای ایجاد کسب و کارهای کوچک و متوسط از سرمایه فیزیکی و مالی اهمیت بیش‌تری بر رونق اقتصادی کسب و کارها دارد این یافته با نتیجه تحقیقات طالبی (۱۳۹۵) همخوانی دارد. بهبود فضای کسب و کار با آسانگری در فعالیت‌های کسب و کار و توانایی کسب و کارها برای رقابت با یکدیگر را افزایش می‌دهد این نتیجه با یافته تحقیق (احمدی، ۱۳۸۷) که به نقش حمایتی دولت در فضای کسب و کار پرداخته اشاره دارد. برای بهبود فضای کسب و کار کوچک کشاورزی مشارکت افراد دارای مهارت باعث بهبود در فضای کسب و کار شده و تولید را با کیفیت

برای نهادهای ذیربط آسان‌تر می‌سازد. یافته‌های تحقیق در خصوص همبستگی معنی‌دار عامل‌های سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی، سرمایه مالی، سرمایه فیزیکی و فضای کسب و کار مؤید همخوانی با یافته‌های تحقیق گوش (۲۰۱۱)، اوربانوا و همکاران (۲۰۱۶)، میشل و همکاران (۲۰۰۸) و حسین پور و همکاران است. این موقعیت نشانگر اثرگذاری هم‌افزای کلیه عامل‌های مذکور بر رونق اقتصادی کسب و کارهای مورد مطالعه و اهمیت و ضرورت توجه همزمان به همه آن‌ها می‌باشد. خروجی مدل‌سازی معادله‌های ساختاری نشان داد که فضای کسب و کار و سرمایه انسانی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رونق اقتصادی کسب و کارهای کوچک و متوسط دارد. اما متغیرهای سرمایه مالی، سرمایه فیزیکی و سرمایه اجتماعی تأثیر معنی‌داری نداشتند با نتیجه تحقیقات (اسمالبون، ۲۰۱۷؛ راگ آف و همکاران، ۲۰۱۶؛ تامبیونان (۲۰۱۶)؛ همخوانی ندارد. می‌توان گفت کسب و کارهای بررسی شده بیش‌تر در مقیاس کوچک بوده‌اند و نیاز چندانی به گردش بالای نقدینگی نداشتند. بر این اساس متغیرهای مالی چندان تأثیری بر آن‌ها نداشته‌اند. به نظر می‌رسد، منبع‌های انسانی اهمیت بیش‌تری در رونق اقتصادی کسب و کارها دارد که با یافته‌های تحقیقات (اسمالبون، ۲۰۱۷؛ راگ آف و همکاران، ۲۰۱۶؛ تامبیونان، ۲۰۱۶ و مان و همکاران، ۲۰۱۴) همخوانی دارد. با برنامه‌ریزی مناسب برای منبع‌های انسانی شایسته، اجرای فعالیت‌ها با کارایی و بهره‌وری بالا منجر به رونق بخشیدن فعالیت‌ها و اقدام‌های کسب و کارها می‌شود. خلاقیت نیروی انسانی باعث می‌شود فعالیت‌های کسب و کار از طریق راحت‌ترین روش صورت گیرد. این امر منجر به کاهش هزینه‌ها و افزایش سودآوری کسب و کارها می‌شود و در بلندمدت فعالیت‌های کسب و کار را توسعه‌پذیر می‌سازد. از طرف دیگر وجود ویژگی پشتکار در منبع‌های انسانی باعث افزایش تاب‌آوری کسب و کار در تنگناهای تولید می‌شود و ضررها و رکودهای مقطعی

و کمیت بالاتر و با صرف هزینه کم امکان پذیر می‌سازد. برنامه‌های ترویج و آموزش کشاورزی متغیری است که در بهبود فضای کسب و کارهای کوچک کشاورزی تأثیرگذار است. این متغیر باعث می‌شود مالکان از فرصت‌ها و ظرفیت‌های کنونی آگاهی یافته و به فکر ایجاد کسب و کار شوند. صندوق‌های بیمه‌ای از طرف سازمان‌های مختلف از جمله بانک کشاورزی در کاهش خطرپذیری تولید مؤثر بوده و نوعی اطمینان خاطر در مالک برای تولید ایجاد می‌کند. برگزاری همایش‌ها و نمایشگاه‌های داخلی توسط سازمان متولی و معرفی ایده‌های جدید زمینه افزایش کمیت و کیفیت تولید را در کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی فراهم آورد این امر منجر به رقابت کسب و کارهای کوچک و گرایش و آمادگی به گسترش بازار از طریق تولید بیش تر و با کیفیت مناسب در راستای رضایت و جذب خریدار است. بر این اساس پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- به منظور رونق اقتصادی کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی از طریق بهبود فضای کسب و کارهای کشاورزی ضروری است که: (۱) برنامه‌های آموزشی و ترویجی کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدتی برای توانمندسازی نیروی انسانی شرکت‌های و واحدهای کسب و کار کوچک و متوسط موجود در بخش کشاورزی استان البرز تدوین و به طور مستمر اجرا و ارزیابی اثربخشی آن صورت پذیرد. (۲) پوشش بیمه‌ای کسب و کارهای یاد شده با مشارکت متولیان توسعه بخش کشاورزی گسترش یابد. (۳) پرداخت تسهیلات به کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی بدون بهره و بدون تضمین‌های پیچیده و زمان بر با هدف تأمین نقدینگی و سرمایه در گردش کسب و کارها افزایش یابد.

- به منظور رونق اقتصادی کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی از طریق توسعه سرمایه انسانی: (۴) تربیت نیروی انسانی دارای توانایی‌های علمی- کاربردی و مزرعه محور توسعه یافته و سطح دسترسی کسب و

کارهای کوچک و متوسط کشاورزی به این منبع‌ها ارتقاء یابد. (۵) بخشی از برنامه‌های شبکه استانی صدا و سیما استان البرز به آموزش ایجاد کسب و کارهای کشاورزی و زمینه‌های موفقیت و رونق اقتصادی آن‌ها اختصاص یابد. (۶) برگزاری همایش‌ها و نمایشگاه‌های ملی و بین المللی و معرفی ایده‌های جدید کشاورزی برنامه ریزی و به طور مستمر همراه با ارتقای کیفیت و اثربخشی آن‌ها اجرا شود. (۷) همکاری مشترک واحدهای کسب و کارهای مستقر در استان و نهادهای متولی توسعه کشاورزی در توسعه زیرساخت‌ها مورد توجه قرار گیرد. (۸) کمیت و کیفیت رابطه‌های فنی و تخصصی واحدهای کسب و کار و انتقال اطلاعات بین همکاران این واحدها از راه‌های مختلف از جمله نهادهای صنفی و شبکه‌های مجازی ارتقاء یابد و از توانمندی افراد دارای مهارت فناوری اطلاعات و ارتباط‌های لازم استفاده شود.

- با توجه به رابطه مثبت و معنی‌دار همه‌ی عامل‌های مؤثر در رونق اقتصادی کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی و همبستگی معنی‌دار آن‌ها، پیشنهاد می‌شود که متولیان توسعه کشاورزی: (۹) حمایت‌های مستمر و همه جانبه دولت از توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط نوپای کشاورزی ضروری است و برای این منظور باید برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدتی توسط نهادهای مسئول از جمله وزارت جهاد کشاورزی تدوین و عملیاتی شوند. (۱۰) زیرساخت‌های مناسبی برای ایجاد و توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی فراهم کنند.

پاورقی‌ها

1. Global Entrepreneurship Monitor (GEM)
2. Organization for Economic Cooperation and Development (OECD)
3. Average Variance Extracted (AVE)

منبع‌ها

- احمدی، س. و. (۱۳۸۷). بررسی مقایسه‌ای فضای کسب و کار در ایران و جهان. مجموعه پژوهش‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۳۰.
- افروخته، ح.، حجتی پور، م.، گرزین، م. و نجاتی، ب. (۱۳۹۲). جایگاه توسعه پایدار کشاورزی در برنامه‌های توسعه ایران، مورد: برنامه‌های پنج ساله پس از انقلاب. فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره ۱، شماره ۱، صص ۶۵-۹۵.
- افشانی، س.ع.، شیرینی محمدآباد (۱۳۹۹). ارزیابی ذینفعان و مطلعین کلیدی استان یزد از راهکارهای عملیاتی بهره‌برداری از ظرفیت‌های اجتماعی در راستای مدیریت پایدار منابع آب. مجله توسعه محلی (روستایی-شهری)، دوره دوازدهم، شماره ۱، ۳۰۵-۳۳۱.
- باسخا، م. (۱۳۹۰). شاخص کسب و کار در افاق چشم‌انداز ۱۴۰۴. تهران: کمیسیون نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام، پایگاه اینترنتی سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران.
- حیدری، ن. و سید جوادین، ر. (۱۳۹۰). توسعه و تغییر مدل کسب و کار با به‌کارگیری رویکرد پویایی سیستم‌ها. فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۱۷-۱.
- حاجی میررحیمی، س. د. (۱۳۹۴). ترویج، آموزش و کارآفرینی کشاورزی. انتشارات نشر آموزش کشاورزی و به‌آفرین، کرج.
- حسین پور، م.، جمشیدی، م. ج.، کریمی، ح. و بخشیم، م. (۱۳۹۹). طراحی الگوی عامل‌های مؤثر بر موفقیت کسب و کارهای کوچک و متوسط با استفاده از رویکرد تفسیری ساختاری. فصلنامه مدیریت کسب و کار، شماره ۸۴، صص ۹۴-۱۱۸.
- حسینی، س. م. و فهیمی فر، ف. (۱۳۹۰). نقش توسعه نظام مالی و بهبود فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی. چهارمین کنفرانس توسعه نظام تأمین مالی در ایران، تهران: مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف.
- حسینی آشتیانی، ح. و خندان، ع. (۱۳۹۰). تحلیل فضای کسب و کار ایران. مرکز مطالعات اقتصادی گروه پژوهشی صنعتی آریانا، دنیای اقتصاد، شماره ۲۳۰۱، ص ۲.
- خاوازی، ک. (۱۳۹۹). رشد ۴۳ درصدی بخش کشاورزی طی ۹ سال اخیر. ماهنامه بهره‌وری، شماره ۶، ص ۱.
- خشنودی فر، ز.، سوختانلو، م. و ملک محمدی، ا. (۱۳۸۹). تأثیر عملکرد بانک کشاورزی و سازمان جهاد کشاورزی در میزان موفقیت کسب و کارهای کوچک و متوسط کارآفرین در بخش کشاورزی. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۷۲، صص ۱۶۰-۱۳۹.
- رحمتی، ن.، ایرجی راد، ا. و منسوب بصیری، م. (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش‌های کسب و کار کشاورزی در کارآفرینی زنان روستایی. مجله مدیریت پژوهش آموزش کشاورزی، شماره ۴۹، صص ۷۱-۹۰.
- رستم علیزاده، و. و جمعه‌زاده، پ. ع. (۱۳۹۷). بررسی عامل‌های مؤثر بر موفقیت زنان کارآفرین شهر تهران. فصلنامه توسعه اجتماعی، شماره ۳، صص ۱۷۲-۱۴۷.
- ستایش، ه.، معمارنژاد، ع.، هژبر کیانی، ک. و ترابی، ت. (۱۳۹۸). تبیین عامل‌های مؤثر بر رشد ارزش افزوده صنایع کوچک و متوسط در اقتصاد ایران. دو فصلنامه مطالعات و سیاست‌های اقتصادی، سال ششم، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۲، صص ۲۰۶-۱۸۹.

- طالبی، ک.، ایمانی پور، ن. و عباسی بنی، ص. (۱۳۹۱). شناسایی و اولویت‌بندی راهبردهای رشد کسب و کارهای کوچک و متوسط (SME) فعال در خوشه صنعتی گز بلداجی. نشریه توسعه کارآفرینی، دوره ۵، شماره ۳، صص ۱۸۳-۱۶۵. علوی زاده، س. ا. م. و کرمانی، م. (۱۳۹۰). نقش آموزش در توسعه فعالیت‌های غیر زراعی مورد مطالعه: مناطق روستایی شهرستان سمیرم. فصلنامه برنامه ریزی منطقه‌ای. شماره ۴، صص ۸۰-۶۹.
- فیضی، م. (۱۳۸۹). بررسی عوامل‌های موفقیت و شکست کارآفرینان در ایجاد و بهره‌برداری از کسب و کارهای کوچک صنعتی. تهران: سازمان صنایع کوچک و شرکت‌های صنعتی ایران، وزارت صنعت، معدن و تجارت. کرمی، ش. (۱۳۹۶). آینده‌نگاری کاربرد مهارت و فناوری مورد نیاز بازار از دیدگاه دانشجویان دکتری کشاورزی. مجله مدیریت پژوهش آموزش کشاورزی، شماره ۴۳، صص ۱۳۱-۱۱۸.
- ملاشاهی، غ. و ظریفیان، ش. (۱۳۹۴). عامل‌های مؤثر بر موفقیت کسب و کارهای کوچک و متوسط زراعی و باغی شهرستان زابل. مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی، دوره ۴۶، شماره ۴، صص ۷۴۸-۷۳۹.
- کشاورز، ع.، بهزاد فکاری سردهایی، ب.، بیکی، ا. خسروی، ع. ر.، فارسی، م. م.، ملکیان، ر. و نژندعلی، ع. (۱۳۹۹). چالش‌های بخش کشاورزی کشور. تهران: مرکز ملی مطالعات راهبردی کشاورزی و آب.
- میرجلیلی، س. ا. (۱۴۰۰). صادرات ۱۵ هزار کانتینر محصولات کشاورزی استان البرز. کرج: ایسننا، اتاق بازرگانی استان البرز.
- ولی زاده، م. (۱۳۸۶). مدیریت دانش و توسعه خوشه‌های صنعتی. ماهنامه تدبیر، سال ۱۸، شماره ۱۸۶، صص ۲۴-۲۸.
- مومنی، ف.، دشتبانی، س. و بانوئی، ع. ا. (۱۳۹۶). اهمیت بخش کشاورزی در حفظ تعادل اقتصادی-اجتماعی ساختار شهری و روستایی ایران، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ششم، شماره ۴، پیاپی ۲۲، صص ۴۶-۱۷.
- «سالنامه آماری کشور ۱۳۹۵» (۱۳۹۶). تهران: انتشارات مرکز آمار ایران.
- Abor, J. and Quartey, P. (2010). Issues in SME development in Ghana and South Africa. *International Research Journal of Finance and Economics*, 39: 218-228.
- Anderson, R. and Chantal K. (1997). *Finance and Investment in Transition: Czech Enterprises, 1993-1994*. IRES-Institut de Recherches, Department of Economics, Université Catholique de Louvain, Discussion Paper 9715, Louvain-la-Neuve.
- Badini, O. S., Hajjar, R., and Kozak, R. (2018). Critical success factors for small and medium forest enterprises: A review. *Forest Policy and Economics*, 94: 35-45.
- Ghosh, B.C., Liang, T. W., Meng, T. T. and Chan, B. (2011). The key success factors, distinctive capabilities and strategic thrusts of top SMEs in Singapore. *Journal of Business Research*, 51 (3): 209-221.
- Ginting, S., Mei, P., Fitriana, N., and Muda, I. (2019). Analysis of Boiler Operation Workload in Salted Fish Small Medium Enterprises (SMEs). In IOP Conference Series: Materials Science and Engineering, 505(1):1-5.
- Kostini, N., and Raharja, S. U. J. (2019). Financial strategy of small and medium businesses on the creative industry in Bandung, Indonesia. *International Journal of Economic Policy in Emerging Economies*, 12(2), 130-139.
- Levy M., Powell P. and Worrall L. (2015). Strategic intent and e-business in SMEs: enablers and inhibitors. *Information Resources Management Journal*, 18 (5): 1-20.
- Man, T.W.Y., Lau, T. and Chan, K. (2014). The competitiveness of small and medium enterprises a conceptualization with focus on entrepreneurial competencies. *Journal of Business Venturing*, 17: 123- 142.

Micheal, C., carroll, N. and Bruce, W.S. (2008). Location quotients versus spatial autocorrelation in identifying potential cluster regions. *The annals of regional science*, 42: 449-463.

Nyoni, T., and Bonga, W. G. (2018). Anatomy of the small & medium enterprises (SMEs) critical success factors (CSFs) in Zimbabwe: Introducing the 3E model. *Dynamic Research Journals, Journal of Business & Management (DRJ-JBM)*, 1(2):1-18.

Prieto Sandoval, V., Ormazabal, M., Jaca, C., and Viles, E. (2018). Key elements in assessing circular economy implementation in small and medium sized enterprises. *Business Strategy and the Environment*, 27(8): 1525-1534.

Rogoff, E.G., Lee, M. S., and Suh, D. C. (2004). Who done it? attributions by entrepreneurs and experts of the factors that cause and impede small business success. *Journal of Small Business Management*, 42: 364-376.

Radas, S. and Bozic, L. (2013). The Antecedents of SME innovativeness in anemogram in transition economy. *Technovation*, 29: 438-450.

Saxenian, A. (2009). *Regional advantage: Culture and competition in Silicon Valley and Rout*. 128, Harvard University Press, Cambridge.

Smallbone, D. (2017). *Fostering entrepreneurship in rural areas, key policy issues in entrepreneurship and SME development*. Retrieved from <http://www.oecd.org/>.

Suganthi, L. (2018). Multi expert and multi criteria evaluation of sectorial investments for sustainable development: An integrated fuzzy AHP, VIKOR, DEA methodology. *Sustainable Cities and Society*, 43:144-156.

Tambunan, T. (2016). Women entrepreneurship in Asian developing countries: Their development and main constraints. *Journal of Development and Agricultural Economics*, 1: 27- 40.

"The World Bank Annual Report" (2011). *Year in Review*. Washington, DC. © World Bank.

Umadia Sr, K., and Kasztelnik, K. (2020). The financial innovative business strategies of small to medium scale enterprises in developing country and influence for the global economy performance. *socioeconomic challenges*, 4(3):5-13.

Urbanoa, D., Toledanoa, N. and Ribeirob, D. (2010). Support policy for the tourism business: A comparative case study in Spain. *The Service Industries Journal*, 30(1): 119-131.

Van Gils, A. (2015), Management and governance in Dutch SMES. *European Management Journal*, 23(5): 583-589.

The Effect of Human and Social Capitals in Economic Prosperity of Small and Medium Agricultural Enterprises in Alborz Province, Iran

S. D. Hajimirrahimi¹ and S. R. Moosavi Davijani²

1. Associate Professor Imam Khomeini Higher Education Center (IHEC), Areeo, Karaj, Iran

2. Master of Business Administration

Abstract

The agricultural sector has been the center for the development of economic resilience and creates many job opportunities in the country by increasing value added and the level of productivity of activities, with the advancement of science and technology. Considering the predominance of small and medium enterprises (SMEs) businesses in the agricultural sector, human resource empowerment, reinforcing the social, physical, financial capital and the business environment can boost the economic prosperity of these businesses. Therefore, due to the uncertainty of dimensions and structures affecting the improvement of the position of small and medium-sized agricultural businesses in Alborz province through agricultural education and development of human and social capitals, this applied research was conducted in 2020. The statistical population in this study was 404 agricultural business owners in the province. The sampling was done by the use of Cochran's formula and the number of samples was 200 and the method was random and the validity of the questionnaire was confirmed by the expert panel. The reliability of the study was confirmed by the calculation of sequential theta ($\theta=0/732-0/814$) and combined reliability ($CR=0/825-0/841$) and the calculation of the average variance was extracted to be ($AVE>0/5$). Mann-Whitney, Kruskal-Wallis and structural equations tests were used to analyze the data. The results showed that the business environment with (%75 of efficacy coefficient) and human resources with (%25 of efficacy coefficient) had a significant positive effect on the economic prosperity of SMEs. Among them, Joint cooperation in infrastructure, holding conferences, exhibitions and introducing new agricultural ideas, business unit communication structure and information transfer among colleagues, continuous training of human resources and the participation of skilled people have the highest priority in the economic prosperity of small and medium-sized agricultural businesses respectively. In the end, practical suggestions for the prosperity of agricultural SMEs in Alborz province were presented with a view to education and human capital.

IndexTerms: Agricultural small and medium enterprise (ASME), Human capital, Social capital, Agricultural Education.

Corresponding Author: S. D. Hajimirrahimi

Email: d.mirrahimi@areeo.ac.ir

Received: 2021/04/04

Accepted: 2021/06/20